



بحثی درباره نشانه های ظهور حضرت مهدی (عج) / علت جعل روایات درباره علائم ظهور

اهمیت بسیار زیاد مهدویت از یک سو و علاقه مندی شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن...

اهمیت بسیار زیاد مهدویت از یک سو و علاقه مندی شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه های ظهور حضرت مهدی (عج) از سوی دیگر، سبب شده که دشمنان و بدخواهان به ویژه حاکمان ستم و سوسه شوند که در جهت برآوردن منافع سیاسی خویش تغییرهای را در روایات به وجود آورند.

به گزارش خبرگزاری مهر، اعتقاد به آمدن مصلح که در آخرالزمان، ریشه در دل تاریخ دارد و مخصوص به اسلام و تشیع نیست. کم و بیش همه ادیان الهی صرف نظر از نوع جهان بینی و اختلاف هایی که در ویژگی های منجی موعود دارند نوید آمدن وی را داده اند و برای او نشانه هایی یاد کرده اند. کلیت این مساله آنقدر روشن است که آیین های قدیمی برهمایی، بودایی و ... انتظار ظهور منجی دارند و نشانه هایی را بر نزدیک بودن ظهور وی در کتاب های خویش بیان کرده اند. با این حال هیچکدام از آیین ها و مسلک ها، تصویر روشنی از چگونگی قیام در آثار و نشانه های نزدیک شدن ظهور را ارایه نداده اند.

در اسلام، ظهور مصلح بزرگ، در آخرالزمان و در شرایطی که بشر در آتش ظلم و فساد می سوزد امری مسلم و اعتقاد به آن از ضروریات دین به شمار می رود. در اسلام به ویژه تشیع بر خلاف ادیان و مذاهب دیگر از ظهور مهدی موعود تفسیر روشنی ارایه شده و چگونگی قیام و حوادثی که به عنوان نشانه نزدیکی ظهور رخ خواهد داد را بیان کرده اند.

آن دسته از رخدادهای که بر اساس پیش بینی معصومان پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) پدید خواهند آمد، نشانه های ظهورند. تحقق هر یک از نشانه ها نویدی از نزدیکتر شدن ظهور قائم است به گونه ای که با تحقق مجموعه رخدادهای پیشگویی شده و به دنبال آخرین نشانه های ظهور، حضرت مهدی (ع) قیام خواهد کرد. پس پدیدار شدن یک و یا چند نشانه از مجموعه نشانه های ظهور چیزی جز نزدیکتر شدن زمان ظهور را نمی رساند، البته بسیاری از حوادث و تحولاتی که امامان وقوع آنها را در دوران غیبت کبری پیش بینی کرده اند یا شماری از آنها را به عنوان نشانه ظهور معرفی کرده اند به وقوع پیوسته اند. مثلاً در روایات از اختلاف در میان امت اسلام، انحراف بنی عباس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ های صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان و ...

پیشگویی معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت بنی امیه و بنی عباس و چگونگی فروپاشی آنها و حرکت هایی که علیه آنها شکل می گیرد و ... گرچه گاه به عنوان نشانه های ظهور بیان شد ولی الزاماً منظور از ظهور، ظهور حضرت مهدی (عج) نیست، بلکه نشانه ظهور فرج و گشایش در کار شیعه و زندگی آنان است چنان که تعبیر "قائم" در همه جا به معنای قیام حضرت مهدی (عج) نیست، بلکه در شرایط اختناق و دیکتاتوری خشن بنی امیه و بنی عباس و چیرگی افرادی که از سر عناد با اولاد پیامبر از هیچ شکنجه ای کوتاهی نمی کردند مجالی برای ائمه و شیعیان آنان نبود که به وظایف خودش در جهت احیای اسلام و مسلمانان اقدام کنند. در این شرایط ایجاد رخنه و اختلاف بین آنان و شکل گیری حرکت ها علیه آن و در نتیجه ضعف یا فروپاشی آنان به منزله گشایش بود که برای شیعیان پیش می آمد تا برای مدتی گرچه اندک آسوده شوند و از فشارها و زندان ها و تعقیب ها در امان بمانند.

امامان نیز این فرصت را می یافتند تا به سازماندهی شیعیان و احیای فرهنگ و میراث اهل بیت بپردازند. منظور از قائم، ظاهراً مهدی موعود نیست بلکه مراد قیام کننده به حق است و این حق چیزی جز با مهدی (عج) تحقق نمی یابد. روشن است که مشروط کردن برپایی قیامت به پدیدار شدن این حوادث و قرار دادن نشانه ظهور از نشانه های برپایی قیامت، به مقصودها ضرری نمی زند. زیرا همه این رخدادهای که از وقوع آنها خبر داده شده چه به عنوان نشانه های ظهور و چه به عنوان نشانه های قیامت پیش از برپایی قیامت هرچند با فاصله زیاد، واقع خواهند شد.

با این حساب آن چه در طول دوره غیبت کبری، واقع شود؛ به طور طبیعی پیش از برپایی قیامت واقع شده و در نتیجه از نشانه های قیامت است. بر این اساس همه نشانه های ظهور به گونه ای نشانه های قیامت هم هستند ولی همه نشانه های قیامت نشانه های ظهور نمی توانند باشند زیرا ممکن است برخی از آنها پس از ظهور حضرت مهدی (عج) واقع شوند. برخی برای بازشناسی ظهور از نشانه های قیامت، با استناد به این که دوره غیبت، روزگار سختی و محنت است و پس از ظهور برابر روایات قطعی جهان پر از عدل و داد می شود و دوران رفاه و امنیت و عدالت فرا می رسد و تا برپایی قیامت ادامه می یابد. قاعده ای بیان کرده اند: قاعده کلی آن است که حوادث مربوط به دوران فتنه و انحراف ناشی از امتحان الهی و خالص ساختن مردم و پیامدهای آن مقدم بر ظهور است. بر این اساس هر روایتی که نشان دهنده روزگار خوبی و عدالت و تامین رفاه و آسایش باشد مربوط به دوران پس از ظهور و نشانه برپایی قیامت است و از نشانه های نزدیک شدن ظهور قائم نمی تواند باشد.

حدیث های فراوانی در مورد نشانه های ظهور، در منابع روایی وجود دارد. اسناد این روایات بیشتر ضعیف و غیرقابل اعتمادند. به نظر می رسد اهمیت بسیار مهدویت از یک سو و علاقه مندی شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه های ظهور مهدی از سوی دیگر، سبب شده که دشمنان و بدخواهان به ویژه حاکمان ستم وسوسه شوند که در جهت برآوردن منافع سیاسی خویش تغییرهای را در روایات به وجود آورند. به ویژه وجود این واقعیت که اساساً افراد عادی و معمولی در برابر اموری که دور از حیطه قدرت آنان و به مظاهر غیبتی و مربوط به سرنوشت آنان است هر چند ساختگی و دروغ هم باشند جرات و جسارت تفکر و مخالفت با آن را ندارند و جز تسلیم در برابر اموری که به شکلی بر آنان مجهول است راهی برای خود نمی بینند. برخی نیز برای موجه جلوه دادن کار خویش و این که فعالیت ها و ادعاهای آنان پیش بینی شده دست به جعل و تحریف زده اند، مثلاً در تاریخ به افرادی بر می خوریم که به همین انگیزه خود را سفیانی معرفی کرده اند.

در دنیای امروز با انبوهی از روایات صحیح و غیرصحیح در زمینه نشانه های ظهور رو به روییم که دست کم شماری از آنها از آفت جعل و تحریف مصون نمانده است. متأسفانه در میان حجم عظیمی از کتاب هایی که در مورد مهدویت و نشانه های ظهور تالیف شده اند مرحوم مجلسی تصریح کرده در سلسله اسناد این روایت بیشتر روایانی قرار دارند که ناشناخته، ضعیف، دروغ گو و جعل کننده اند و روایت آنان اعتباری ندارند. گرچه اصل ظهور و نشانه های نزدیک شدن آن از امور مسلم و قطعی است ولی بنا به مصالح، زمان ظهور مشخص نشده است و هیچکس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست. بارها اصحاب از امامان در مورد زمان خروج قائم پرسیده اند ولی آنان به صراحت از مشخص کردن آن نهی کرده اند و زمان ظهور را هم چون علم به قیامت منحصر به خداوند دانسته اند.

مثلاً در حدیثی آمده که مهدی قیام نمی کند مگر در سال های فرد: سال اول، سوم، پنجم، هفتم و یا نهم و یا روز شنبه دهم محرم و یا در 23 رمضان منادی ندا می دهد و مردم را به سوی مهدی فرا می خواند.

در منابع دینی انبوهی از رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی و دگرگونی های سیاسی و اجتماعی به عنوان نشانه ظهور یاد شده اند. شیخ صدوق (381هـ.ق)، شیخ مفید (413هـ.ق) و شیخ طوسی (465هـ.ق) از پیشینیان شیعه و بسیاری نیز از پسیان و معاصران اخبار مربوط به نشانه های ظهور را در کتاب های خود گرد آورده اند.

در میان نشانه ها شماری از آنها به روشنی به عنوان "علائم حتمی ظهور" یاد شده اند، منظور از نشانه های حتمی در مقابل غیرحتمی، ظاهراً آن است که تحقق پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود؛ به گونه ای که تا آنها واقع نگردند. حضرت مهدی ظاهر نخواهد شد.

اگر کسی پیش از واقع شدن نشانه های حتمی، ادعای ظهور مهدی کند، ادعایی است نادرست. در برابر این ها نشانه های غیر حتمی است، یعنی مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن ها به عنوان نشانه، پدید می آیند. به عبارت دیگر، نشانه های غیر حتمی شاید پدید آیند، شاید پدید نیایند و امام ظهور کند.

به اهتزاز در آمدن پرچم های سیاه از خراسان حادثه ای می باشد که منابع دینی به عنوان نشانه ی ظهور بیان کرده اند و در مورد آن، روایاتی از معصومان رسیده است. مضمون این روایات آن است که پیش از ظهور مهدی در منطقه خراسان (خراسان قدیم) انقلابی بر پا می شود و مردم در حالی که پرچم های سیاه به اهتزاز در آورده اند به حرکت در می آیند. ظاهراً پدیدار شدن این نشانه در آستانه ظهور و یا اندکی پیش از آن است؛ به گونه ای که در زمان ظهور، آنان هستند و حضرت مهدی آنان را به سوی خویش فرا می خواند.

امام باقر می فرماید: بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند، پس چون مهدی ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت کنند.

غیر از روایت فوق روایات دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد، خروج پرچم های سیاه از خراسان قیامی است که در آینده و در آستانه ظهور بر پا می شود. در حقیقت آن پرچم های سیاه را یاران مهدی به همراه خواهند آورد. از نشانه های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است.

امام باقر می فرماید: دو نشانه پیش از قیام مهدی پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن و یا می فرمود: برای مهدی ما دو نشانه است که از هنگامی که خداوند آسمان ها و زمین را خلق فرمود، سابقه ندارد: خسوف در اول ماه رمضان و کسوف در نیمه همان ماه.

به نظر می رسد که وقوع این دو پدیده به صورت غیر عادی، به خاطر آن است که اهمیت مسئله ظهور، نمایانده بشود و مردم از خواب غفلت بیدار شوند و خود را مهيای مشارکت در آن نهضت عظیم سازند.

فراگیر شدن ظلم و جور، از نشانه های معروف ظهور مهدی به شما آمده است. این نشانه، در روایات بسیاری به چشم می خورد. خداوند، به وسیله ظهور مهدی زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. علامه مجلسی (ره)، در باب نشانه های ظهور، روایتی را از امام صادق (ع) آورده که در آن بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامن گیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است. از جمله رشوه خواری، قماربازی، شراب خواری، زیاد شدن زنا، آراستن مساجد به زیورآلات، و... زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است.

شهید مرتضی مطهری (ره)، روایتی را از شیخ صدوق (ره) می آورد مبنی بر این که منظور از فراگیر شدن ستم، آن است که هر یک از شقی و سعید، گروه حق و باطل، به نهایت کار خود می رسند. ستم کاران و بدکاران، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و لهیب آتش آنان همه را فرا می گیرد. در این هنگام، که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همه راه های چاره بر آنان بسته می شود، مهدی ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

انقلاب حضرت مهدی همچون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی، به وجود نمی آیند، بلکه در آستانه ظهور، حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله قیام ها و انقلاب ها که از سوی حق طلبان صورت می گیرد. بر اساس آن چه در برخی روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی موعود مهدی آماده می کند.

پیش گویی تحقق این نشانه ها، به تعبیرهای گوناگونی در روایات آمده که به چند نمونه از آن اشاره می کنیم: پیامبر اکرم می فرمایند: گروهی از ناحیه مشرق، سر بر می افرازند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می سازند. در این روایات، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی خبر داده شده است.

در سال ظهور، باران پیایی، زمین را آباد و سرسبز می کند و وضع مردم، بهتر می شود. امامان در تبیین نشانه های ظهور و خبردادن از رخدادهای آن روزگار، از این واقعه نیز یاد کرده اند.

شیخ طوسی (ره) از امام صادق روایت می کند: در آستانه قیام مهدی سالی پرباران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می پوسد، پس در این تردیدی به خود راه ندهید و چون هنگام ظهور مهدی نزدیک شود، در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب، بارانی بر مردم ببارد که تا آن هنگام، مانند آن را ندیده باشند.